

## بسیج امکانات و تجهیزات جنگی در عصر اسلامی

دکتر اصغر قائدان

استادیار تاریخ دانشگاه امام حسین (ع)

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، شماره ۲۷ و ۲۸، تابستان و پاییز ۱۳۸۴

### چکیده

« و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم »  
(قرآن کریم)

یکی از عناصر و اساس اولیه هر جنگ، بسیج امکانات و تجهیزات برای آن است. جنگ بدون پشتیبانی و ابزار و ادوات نظامی شامل سلاح، تغذیه، پوشاک، آب و ... برای نیروی رزم امکان پذیر نیست. در عصر مورد نظر ما با توجه به نوع جنگ، وسعت میدان و نیروی بسیج شده برای آن و نیز توانمندیهای دشمن، امکانات و تجهیزات جنگ نیز مورد توجه قرار گرفته و فراهم می‌گشت. در نخستین جنگهای صدر اسلام که هنوز دولت به مفهوم خویش شکل نگرفته بود، بسیج امکانات به صورت انفرادی و یا همگانی و در حقیقت داوطلبانه انجام می‌شد. اما پس از اندک زمانی، به عنوان وظیفه اصلی حکومت تلقی گردید و دولت متکفل آن شد، اگرچه شیوه گذشته؛ یعنی بسیج انفرادی و همگانی و داوطلبانه منسوخ نگردید. بسیج امکانات عموماً در دو مقوله ۱- تسلیحات و تجهیزات رزم؛ و ۲- تدارکات و تغذیه صورت می‌گرفت که ما برآنیم تا صرفاً در این مقاله انواع بسیج امکانات و راههای آن را در محور تسلیحات و تجهیزات مورد بررسی قرار دهیم.

### نحوه تأمین امکانات و تجهیزات جنگی

#### الف - عصر پیامبر (ص)

پس از آنکه رسول خدا(ص) در مدینه به تأسیس حکومت پرداخت و به اذن الهی مأمور مقابله با دشمنان و مشرکان و کسانی که وی و سایر مسلمانان را از خانه و کاشانه خود رانده بودند شد، به فراخور درگیری و جنگ موردنظر، به بسیج امکانات و تجهیزات موردنیاز می‌پرداخت. بدیهی است که به سبب عدم گستردگی نخستین درگیریها و همچنین عدم توسعه جنگ و نیروی انسانی، این کار بر اساس روال و شیوه گذشته؛ یعنی عصر جاهلی انجام می‌شد. البته بسیج امکانات بر اساس تأکید خداوندی: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل...» (انفال / ۶۰)، یک وظیفه همگانی بود که خداوند به آن امر می‌فرمود.

در این دوران همانند عصر جاهلیت، امر تدارکات مربوط به هر سرباز برعهده خود او بود که از عطایا و مواجب خویش و یا از اموال شخصی، تأمین و خود را مجهز می‌کرد. البته یک جنگجو این کار را با میل و رغبت در اجابت دعوت خداوند انجام می‌داد (زهری، ۱۴۰۰، ص ۹۳؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۲؛ واقدی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۵).

در بسیاری از مواقع، مسلمانان و صحابه ثروتمند به سربازان ناتوان به لحاظ مالی کمک می‌کردند و یا حتی تأمین بخشی از هزینه سپاه را برای درک ثواب و اجر اخروی می‌پذیرفتند (صف / ۱۱-۱۰). چنان که عثمان بن عفان هنگام غزوه تبوک بر اساس سفارش رسول خدا(ص) در تأمین لوازم لشکر، هزار دینار طلا، ۷۵۰ شتر و ۵۰ اسب انفاق کرد و با این کار پیامبر(ص) در حق او دعا فرمود (ابن‌هشام، همان، ص ۵۱۵؛ ترمذی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۲۸۹؛ ابن‌دقماق، بی‌تا، ص ۵۳). طلحة بن عبیدالله نیز به خاطر این‌گونه انفاقها در تجهیزات سپاه از سوی آن حضرت به «طلحة الخیر» یا «طلحة الجود» معروف شد. انفاقهایی که ابوبکر در دوران هجرت به مدینه از اموال خود برای تجهیز دولت نوپای اسلامی داد از دیگر نمونه‌های آن است. (ابن‌هشام، همان، ج ۱، ص ۴۸۶)

علاوه بر آن هر یک از مسلمانان به هنگام تجهیز سپاه، آنچه در توان داشتند برای کمک عرضه می‌کردند. حتی در بسیاری از مواقع زنان زینت‌آلات و جواهرات خود را فروخته و از پول آن تدارکات مورد نیاز لشکر را فراهم می‌ساختند (زینی دحلان، ج ۳، ص ۱۴۸). رسول خدا(ص) نیز برای تدارک و سازماندهی لشکر اقدامات متعددی انجام

می‌داد از جمله هرگاه اموالی به دست می‌آورد که متعلق به خود او بود آن را برای تجهیز لشکر مصرف می‌کرد؛ چنان که از اموال بنی‌نضیر که خداوند خاص آن حضرت گردانیده بود، بخش عمده‌ای را برای تهیه سلاح و تدارک سپاه مصرف کرد و از غنایمی که در جنگ با یهود به دست آورد و یا با فروش بعضی از اسیران بنی‌قریظه در نجد به تدارک لشکر اقدام می‌فرمود (ابن‌هشام، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۵). در جنگ تبوک اجازه داد تا برای کسانی که جهت شرکت در جنگ اسب ندارند برای ایشان خریداری کرده و در اختیارشان قرار دهند (عسقلانی، ج ۸، ص ۱۱۰)؛ زیرا برخی از آنها به سبب آنکه مرکبی برای سوار شدن نداشتند از جهاد بازمانده بودند و آن حضرت هیچ‌گاه غزوه یا سریه‌ای تدارک نمی‌دید مگر آنکه مواد و تدارکات موردنیاز آن سپاه را فراهم می‌ساخت و نسبت به این امر عنایتی تام و کامل داشت تا آن حد که در صورت نیاز حتی از یهودیان بنی‌قریظه ۷۰ زره و تعداد زیادی شمشیر اجاره کرد و پس از انجام جنگ آنها را بازگرداند.

یکی از راههای مهم تهیه و تأمین تدارکات لشکریان به هنگام حضور در مناطق دوردست، انجام معاهداتی با قبایل و مردم ساکن در سرزمینهای مذکور برای تأمین مواد تدارکاتی لشکر بود. در دوران پیامبر(ص) موارد متعددی از این نمونه در دست است؛ از جمله در سریه خالدبن ولید به سوی دومه‌الجندل، وی با رئیس قبایل این منطقه پیمان بست که هزار شتر، هشتصد اسب، چهارصد زره و چهارصد نیزه از آنها دریافت کند. پیامبر(ص) خمس آن را جدا و بقیه را بین مسلمانان تقسیم کرد (واقعی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۰۲۷). بر اساس بعضی از این پیمانها، مردمان ساکن در مسیر حرکت نیروهای لشکر موظف می‌شدند تا به مدت یک الی سه روز مواد غذایی و تدارکاتی لشکریان را فراهم سازند. مثلاً در تهاجم به نجران در یمن، جرش در اردن، ابله در مسیر تبوک بدین‌گونه عمل شد (بلاذری، بی‌تا، ص ۵۹). این کار گاهی در پیمانی با اهل ذمه و هنگام تعیین جزیه انجام می‌شد. مسیحیان و اهل کتاب ضمن تعهد بر پرداخت جزیه‌ای معین، موظف می‌شدند به مدت محدودی از لشکریان اسلام در منطقه تحت سکونت خود پذیرایی و آنان را اطعام کنند (همان). یا مثل پیمان صلح با مردم نجران، آنان موظف به تأمین تدارکات لشکر اسلام شامل اسب، زره و سایر نیازهای ضروری شدند (همان، ص ۱۰۴). البته در بعضی مواقع نیز پیامبر(ص) از اهل نجران تسلیحاتی را به عاریه و امانت گرفت

(همان، ص ۶۴؛ ابن‌سعد، ۱۹۵۷). در موارد دیگر نیز همین‌گونه با اهل ذمه در دوران پیامبر(ص) برخورد شده است (ر.ک. به: بلاذری، ص ۷۱؛ ابویوسف، ۱۳۹۶، ص ۶۷). با توسعه جنگ و نیروی انسانی، پیامبر(ص) رسته‌ای را در سپاه ایجاد کرد که وظیفه آن تأمین تسلیحات و تدارکات موردنیاز سپاه اعم از سلاح، اسب، تغذیه، آب و ... بود. آنان بسیاری از کارهای تدارکاتی مثل برپاکردن خیمه‌ها، تخلیه میدان جنگ از شهدا و مجروحان و ... را نیز برعهده داشتند. این نیروها در عصر حاضر همان رسته تدارکات و پشتیبانی رزم هستند.

#### ب - عصر خلفای راشدین

در دوران خلفای راشدین با تمرکز قدرت و تثبیت دولت، تأمین تدارکات لشکر از وظایف دولتمردان و خلفا شد و خلیفه هر آنچه را لشکر نیاز داشت، فراهم می‌ساخت (بلاذری، ص ۷۱)، برخلاف گذشته که هر فرد خود موظف به تأمین آن بود. خلفا در این کار اهمیتی خاص داشتند؛ ابوبکر کسانی را به اطراف شهر مدینه می‌فرستاد تا شتر، اسب و سلاح خریداری کرده و برای جهاد در راه خدا آماده سازند (ابن‌سعد، ج ۳، ص ۱۵۱). خلیفه دوم، عمر بن خطاب ضمن ایجاد دیوان جند، اهمیتی خاص نسبت به تدارک لشکر اعم از خوراک، سلاح و چارپایان داشت. او برای هر سرباز ۴ هزار درهم در سال تعیین کرد. هزار درهم برای مخارج راه، هزار درهم برای سلاح، هزار درهم برای خانواده و هزار درهم برای اسب او (طبری، ۱۹۹۶، ج ۳، ص ۶۵؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۵، ج ۲، ص ۵۰۴). وی به لحاظ تهیه و خرید و تأمین اسب برای سواره‌نظام و سلاح اقدامات فراوانی انجام می‌داد و هزاران سوار را نیز در شهرهای کوفه و بصره برای کمک به لشکر اسلام به عنوان ذخیره مستقر می‌ساخت (ر.ک. به: ابن‌سعد، ج ۲، ص ۲۲۰؛ ابویوسف، ص ۱۰۸). در دیوان جند خویش سهمیه‌هایی برای هر فرد در طعام و خوراک قرار داده بود. (السلومی، ص ۳۷۹) در این عصر؛ یعنی عصر فتوح، به سبب گستردگی مناطق فتح شده و دوری شام، عراق و مصر به مرکز خلافت اسلامی و در حقیقت دشواری امداد رسانی و تدارکات از مدینه، مردمان ساکن در مناطق مسیر حرکت سپاهیان بر اساس پیمان‌هایی موظف به تأمین مایحتاج سپاه و پذیرایی از لشکران به مدت چند روز می‌شدند (ر.ک. به: ابوعبیده، ۱۹۵۷، ص ۲۱۳؛ ابویوسف، ص ۳۸). مثل پیمان ابوعبیده با اهالی بعلبک، حمص و قنسرین،

پیمان خالد با مردم دمشق، تدمر و رقه، پیمان عمرو بن عاص با بابلیون مصر و ... که موظف به تأمین تمامی نیازهای سپاه از جمله لباس، اسب، مواد غذایی، سلاح و ... می شدند.

امام علی (ع) در دوران خلافت خویش، که درگیر جنگهای داخلی بود، به ترسیم سیاستهای کلی در این خصوص می پرداخت و برای تقویت بنیه اقتصادی و هزینه های مورد نیاز برای دوام و بقای سپاه و نیروهای جنگجو اهمیت ویژه ای مبذول می داشت. این استراتژی در یکی از نامه های ایشان به وضوح بیان و تنها راه تأمین آن نیز درآمد خراج اعلام شده است:

«ثم لا قوام للجنود الا بما يخرج الله لهم من الخراج الذي يقومون به في جهاد عدوكم هم و يعتمدون عليه بصلحتهم يكون من رواء حاجتهم» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳)

[کار سپاهیان و دوام آنان جز با خراجی که خدا برای ایشان معین فرموده تأمین نمی شود تا بدان وسیله در جهاد با دشمن خود نیرومند شوند و کار خود را با آن سامان دهند و تا آن میزان که نیازمندیشان را برطرف کنند...]

آن حضرت برخلاف دوران قبلی، منبع تأمین هزینه سپاه را غنایم نمی داند؛ شاید به دلیل آنکه در نبردهای داخلی درگیر است و در این نبردها چون دو جبهه مسلمان با یکدیگر رویارو هستند گرفتن غنیمت برای آنان جایز نیست مگر درصدی که در میدان جنگ از سلاح و امکانات دیگر به دست آید و این ویژگی احکام مربوط به جنگ با اهل قبله است. نمونه آن جنگ جمل است که اجازه برداشت و تصرف غنایم را به سربازان خود نداد. ایشان پس از جنگ جمل، بیت المال بصره را گشود و ششصد هزار درهم موجود در آن را بین لشکریان تقسیم کرد که به هر یک پانصد درهم رسید و فرمود: اگر خداوند مرا بر مردم شام پیروز گرداند همین مقدار به اضافه مقرری خود دریافت خواهید کرد.

### ج - عصر خلفای اموی

در دوران بنی امیه تأمین تدارکات جزء وظایف رسمی دستگاه خلافت بود؛ زیرا بخشی از غنایم و درآمد سرشاری که از مناطق مفتوحه وارد می شد از سوی خلافت به این امر اختصاص می یافت. اگر چه داوطلبان آزاد همچنان موظف بوده اند که خود

توشه جنگ و تسلیحات موردنیاز را همراه داشته باشند (مسعودی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۳۸). خلفا و امرا در بسیاری از مواقع خود بشخصه تجهیزات و امکانات سپاه را فراهم می‌ساختند. حجاج بن یوسف عامل ولید در عراق، لشکر را با تمامی امکانات و تجهیزات عازم نبرد می‌ساخت. از جمله اموالی که برای لشکر خود به سوی سیستان اختصاص داد بالغ بر دو میلیون درهم بود (ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۴، ص ۳۶۵). این امر علاوه بر موجب سپاهیان بود. کار او مورد سرزنش عبدالملک قرار گرفت و او این عمل را از مصادیق اسراف دانست (مسعودی، ج ۳، ص ۱۴۰). او هنگام اعزام برادرزاده اش محمد بن قاسم برای فتح هند، ۶ هزار نیروی نظامی مجهز به تمامی امکانات و تسلیحات در اختیار او قرار داد؛ مخارج و هزینه‌ای که صرف این لشکر شد به گفته ابن اثیر به ۶۰۰ هزار درهم رسید. (ابن اثیر، ج ۴، ص ۵۳۶)

#### د - در عصر عباسی

در دوران عباسیان مسئله تدارکات و امداد به لحاظ وسعت قلمرو و کثرت نیروی نظامی، اهمیت بیشتری یافت. در این دوران برای تأمین لوازم سپاه، علاوه بر منابع داخلی، قراردادهایی برای این امر با دول دیگر بسته شد؛ از جمله خلیفه مهدی با یکی از امپراتوران رومی قراردادی بست که در قبال پرداخت ۷۰ هزار دینار در سال از سوی خلیفه، نیازهای لشکر عباسی را تأمین کند. همچنین هارون نیز با امپراتور آگوستوس به سال ۱۶۵ بر آن اساس که تدارکات و نیازهای لشکر اسلامی را به هنگام بازگشت از یک سفر جنگی تأمین کند، صلح کرد (الدوری، ص ۹۵). به هنگام انجام یکی از نبردهای صائفه (تابستانی) در دوران هارون در همان سال، بیش از ۹۵ هزار نیروی نظامی حضور داشتند که با خود دهها هزار دینار و درهم حمل کرده و صد هزار رأس شتر و گوسفند برای تغذیه لشکر ذبح کردند. (طبری، ج ۸، ص ۱۵۲)

هارون خزائن اموال و آنچه را مورد نیاز لشکر بود در شهر رقه گرد آورده و هنگامی که در سال ۱۸۶ ق به حج رفت ابراهیم بن عثمان را مسئول آن ساخت. (همان، ص ۲۷۷)

این خلیفه فرمان می‌داد تا لشکر در حملات و تهاجمات خود، پزشکان و پرستاران و تعداد زیادی شتر و قاطر برای انتقال چادرها و تدارکات و تغذیه همراه سازند و مکانهایی برای ساخت و تعمیر سلاح برپا کنند. (امیرعلی، ۱۴۲۰، ص ۳۶۹)

مأمون حدود هزار پرچم مزین به جواهر داشت که تحت هر پرچم هزار سوار قرار داده بود و در اصطبل خود هزار فیل داشت (السلومی، ص ۳۸۳). هنگامی که معتمصم در تهاجم به سوی عموریه در ۲۲۳ق سوار بر اسب از سامرا حرکت می‌کرد همراه او تجهیزاتی اعم از سلاح و ابزارآلات جنگی شامل زره، سپر، کلاهخود و آلات آتش‌انداز و نفت‌انداز بود که هیچ خلیفه‌ای تاکنون همانند آن را نداشت. (ابن‌طقطقی، ص ۳۱۹)

### بسیج تسلیحات هجومی و دفاعی رزم

#### الف - عصر جاهلیت

در ابتدای امر با توجه به محدودیت میدان رزم و نیروی انسانی حاضر در آن، در عصر جاهلیت، بسیج امکانات از جمله تسلیحات و تجهیزات رزم به صورت انفرادی و داوطلبانه انجام می‌شد. بدین معنا که پس از فراخوانی و بسیج نیروی انسانی توسط رئیس قبیله برای انجام جنگ (یا انجام مأموریتی نظامی)، هریک از افراد داوطلب باید خود تجهیزات و سلاح موردنیاز را برای جنگ فراهم کرده و با خود همراه سازند. اصلی‌ترین و نخستین سلاح موردنیاز شمشیر بود.<sup>۱</sup> هر جنگجوی معمولاً برحسب شرایط آن عصر که همواره تأمین معیشت و حیات قبیله و فرد به آن متکی بود، از آن برخوردار می‌شد و همواره آن را به عنوان عضو لاینفک زندگی خود می‌دانست و هیچ‌گاه چه در سفر و چه در حضر آن را از خود دور نمی‌ساخت. بنابراین بر حسب مقتضیات زمان، عرب عصر جاهلی ناچار بود به شمشیر به عنوان عضوی از خانواده خود نگاه کند. فخر و عزت و شرف عرب به همین سلاح بسته بود و اعراب آن را «ظل‌الموت و لعاب‌المنیه» (سایه مرگ و جلای آرزو) وصف می‌کردند (المهر، ص ۵۳، به نقل از ابن‌هذیل، ص ۱۸۶). آنها می‌کوشیدند به بهترین شمشیرها دست یابند، آن را خریداری و یا در جنگ به غنیمت بگیرند و به خوبی از آن حفاظت و حراست کنند. اعراب به هنگام اعلان بسیج برای جنگ از سوی رئیس قبیله، شمشیرهایی را که در منزل یا در چادر نگهداری می‌کردند با خود همراه می‌ساختند و برای جنگ آماده می‌شدند. رئیس قبیله وظیفه‌ای برای تأمین سلاح نیروهای قبیله نداشت؛ زیرا چنین سازمانی و امکاناتی تنها در سایه تشکیل دولت و حکومت یا ایجاد سازمان و رسته‌ای خاص برای آن

۱- اعراب در دیوانها و قصاید خود از نقش شمشیر بسیار گفته‌اند.

امکان‌پذیر است و در عصر جاهلیت این امر موضوعیتی نداشت.

شایان ذکر است در عصر جاهلیت تنها یک منصب با عنوان «قبه» (اسلحه‌خانه) برای کعبه و شهر مکه وجود داشت که متولی آن، فقط مسئولیت نگهداری سلاحهای افراد قبیله قریش را بر عهده داشت که به نوعی آن را می‌توانیم انبار تسلیحات بنامیم. متولی این منصب هنگام وقوع جنگ و درگیری، آن سلاحها را در اختیار نیروهای قبیله قرار می‌داد و اگر سلاحی نیز به غنیمت گرفته می‌شد و مازاد بر احتیاجات اولیه یک جنگجو در حالت غیرجنگ بود، در آن انبار نگهداری می‌شد. مسئولیت منصب قبه به هنگام ظهور اسلام برعهده خالدبن ولید، سردار جنگجو و شهره عرب در عصر جاهلی و سپس اسلام بود. البته سلاحهایی نیز به کعبه و یا بتها تقدیم می‌شد که آنها را نیز در آن مکان نگهداری می‌کردند اما کاربردی برای جنگ نداشت و بیشتر با عنوان هدایا و نذورات باید حفظ می‌شد.

بنابراین یک جنگجو در عصر جاهلی، باید قبل از جنگ خود را مسلح کند و به تعداد موردنیاز شمشیر در اختیار داشته باشد؛ زیرا در هنگام جنگ، سازمان یا رسته‌ای که در عصر حاضر با عنوان آماد و پشتیبانی از آن یاد می‌شود وجود نداشت که نیاز تسلیحاتی نیروی جنگجو را برطرف سازد. اگر در میدان جنگ سلاح یک جنگجو می‌شکست و یا کند می‌شد، باید خود به تعداد لازم شمشیر همراه می‌داشت تا آنها را تعویض کند و گرنه ادامه جنگ برای او ممکن نبود.

در کنار سلاحهای فردی، علاوه بر شمشیر، کمان و تیر هم بدین وضعیت بود. چون در عصر جاهلیت، شکار و همچنین درگیریهای قبیله‌ای جزء لاینفک زندگی آنان محسوب می‌شد. معمولاً بیشتر اعراب در کار تیراندازی و استفاده از تیر و کمان بودند و با آن آشنایی داشتند. تیراندازان معمولاً انواع و اقسام کمانها و تیرها را در اختیار داشتند که آنها را با مال شخصی خود خریده یا در جنگها به عنوان غنیمت به دست می‌آوردند؛ لذا برخی از آنها در خانه خود علاوه بر سلاح، تیر و کمان نیز داشتند و در حقیقت، تخزین (انبار) می‌کردند و به هنگام نیاز و بسیج برای درگیری و جنگ، آنها را با خود همراه می‌ساختند. یک جنگجو می‌باید تعداد زیادی تیر همراه خود به جنگ می‌آورد تا از آنها استفاده کند. اگر تیرهای او تمام می‌شد و یا کمان او می‌شکست، ادامه جنگ برای او مقدور نبود مگر آنکه از غنایم در حین جنگ، قبل از تقسیم آن بتواند بهره ببرد.



کمان عربی بسیار معروف و مشهور بود و عرب آن را «الحنیه» می‌نامیدند (طرسوسی، ۱۹۱۸، صص ۵۲-۵۳) در میان کمان عربی، مشهورترین آن کمان حجازی بود که اعراب مکه می‌ساختند و بر دو نوع صحرائی و شهری بود که هر یک برای خود نامی خاص داشت. (ابن‌عبدربه، ۱۴۹۷، ج ۱، ص ۱۸۶)

از دیگر سلاحهای انفرادی در عصر جاهلیت، نیزه بود که برای شکار و جنگ استفاده می‌شد و معمولاً برای پرتاب از نزدیک بود. بنابراین نیزه نیز البته کمتر از شمشیر در میان اعراب رواج داشت. آنان در استفاده از نیزه در میان سایر امم ممتاز و برجسته بودند و مهارت خاصی داشتند. نیزه برای آنان شجاعت و هیبت می‌آفرید. در اشعار جاهلی از این سلاح و از کسانی که به وسیله آن با دشمن می‌جنگیدند زیاد یاد شده است. نیزه به لحاظ نوع استفاده در جنگ متفاوت بود؛ سواره‌نظام و جنگجوی سواره از نیزه‌های بلند استفاده می‌کرد که آن را «الخطل» می‌نامیدند. نیزه‌های کوتاه نیز هم برای سواره و هم برای پیاده استفاده می‌شد که آن را «المطارد» می‌گفتند (زکی، ۱۴۲۳، ص ۲۸). نیزه بیشترین کاربرد را نزد صحراگردان و بیابان‌نشینان داشت؛ زیرا تکیه‌گاه عرب در صحرای سوزان و وسیع بود. لباسش را به آن می‌آویخت و خود را در سایه آن با نصب سایه‌بان، از تابش تیرهای آفتاب مصون می‌داشت. به هنگام گرسنگی، با آن شکار می‌کرد و نیز برگهای درختان را برای حیوانات خود بر زمین می‌ریخت و در نهایت جان خود را به وسیله آن از دشمنان و متجاوزان حفظ می‌کرد و بر دشمن حمله می‌برد. فقرا آن را از شاخه‌های درختهای معمولی و ثروتمندان از چوبهای نادر و گرانبها مثل آبنوس و ... درست می‌کردند (جاحظ، ج ۳، ص ۲۴۶). قدرت نیزه، اسب و سوار هر سه لازم و ملزوم یکدیگر بودند. اهمیت فراوان نیزه نزد عرب، از توصیفشان توسط شعرای معروف عصر جاهلی روشن می‌شود (طرسوسی، صص ۱۳۶-۱۳۲). بنابراین نیزه هم در زندگی و جنگ عرب، اهمیتی ویژه داشت و معمولاً بیشتر اعراب ناچار از استفاده از آن بودند. لذا در جنگهای عصر جاهلی، هر جنگجو علاوه بر شمشیر و کمان، ممکن بود نیزه هم با خود همراه سازد و از آن در جنگ بهره برد. و اما سلاحهای دفاعی فردی نیز در میان اعراب عصر جاهلی رواج داشت. سپر که یک جنگجو به وسیله آن خود را از ضربه سلاح دشمن حفظ می‌کرد، معمولاً از پوستهای محکم (الورق) و بعدها از چوب (القفع) و یا آهن (المجن) می‌ساختند (ابن‌سیده، ۱۳۹۸، ج ۶، ص ۷۴؛ نویری، ۱۳۴۵، ج ۶،

ص ۲۴۰). سپر انواع و اشکال مختلفی داشت؛ از جمله: مدور، مسطح و مستطیل و گنبدی شکل. معمولاً نوع اخیر آن بیشتر مورد استفاده اعراب بود. همچنین زره که در میان اعراب عصر جاهلی به عنوان یک پوشش دفاعی استفاده می‌شد. توصیف زره در دیوانهای شعرای عصر جاهلیت نشان از قدمت استفاده از آن دارد. (طرسوسی، ص ۱۴۹)

#### ب - عصر رسول خدا(ص)

در عصر رسول خدا(ص)، به لحاظ ارتباط و پیوستگی نزدیک آن با عصر جاهلیت، اندکی در بسیج تجهیزات و تسلیحات تغییراتی حاصل شد؛ ولی در نگاه کلی، روند تهیه امکانات لازم در این خصوص ادامه همان شیوه‌های گذشته بود. هر مسلمانی می‌باید برای جنگ به هنگام بسیج عمومی و همگانی یا جزئی، خود مسلح شده و سلاحهای لازم را در ابتدای امر از اموال خود می‌خرید یا در جنگ به غنیمت می‌گرفت. با توسعه نیروی انسانی و جنگ، در این دوران، تقریباً ادامه شیوه‌های گذشته در بسیج امکانات امکان‌پذیر نبود و حکومت پیامبر(ص) باید در سطح گسترده‌تری، به تأمین و تهیه ملزومات جنگ می‌پرداخت. از راههای مهم بسیج تسلیحات که در گذشته؛ یعنی عصر جاهلی سابقه نداشت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **از طریق انفاق برای جهاد در راه خدا؛** پیامبر(ص) با گوشزد کردن اهمیت و ثواب انفاق برای تجهیز نیروهای جنگجو جهت جهاد در راه خدا، توانمندان را برای این کار تشویق می‌کرد (ابن‌هشام، ج ۲، ص ۵۱۵؛ ترمذی، ج ۵، ص ۲۸۹). کسانی که تمکن مالی داشتند گاهی بخشهایی از تسلیح سپاه را تقبل می‌کردند. برخی از صحابه نیز تا حد امکان و وسع خود به این کار به امید ثواب و اجر اخروی اقدام می‌کردند.

۲- **عاریه گرفتن از مشرکان؛** راه دیگری که آن حضرت اتخاذ کرد گرفتن سلاح و امکانات نظامی به صورت عاریه و امانت یا اجاره بود. آن حضرت از مشرکانی که نسبت به مسلمانان عناد و دشمنی نداشتند نیز سلاح قرض می‌کرد؛ از جمله برای جنگ حنین که تعداد لشکریانش به ۱۲ هزار نفر رسید و از صفوان بن‌امیه مشرک تعدادی سلاح قرض گرفت (ابن‌هشام، ج ۲، ص ۴۴۰). یا حتی در یک مورد از یهودیان بنی‌قریظه زره و سپر اجاره کرد.

۳- خریداری از فروشندگان و سازندگان داخلی و خارجی (ترمذی، ص ۱۱؛ واقدی،

ج ۱، ص ۹۶)؛ که گاهی ساخت انواع آن سفارش می‌شد. (ابن‌حنبل، ۱۹۵۴، ج ۱، ص ۸۸)

۴- گرفتن غنیمت از دشمن و تقسیم آن بین مسلمانان (بخاری، ۱۳۴۵، ص ۸۰؛ واقدی،

ج ۱، ص ۹۶)؛ این کار در جنگهای متعدد صورت می‌پذیرفت و نسبت به آن تشویق می‌شد.

۵- اعزام افرادی برای یادگیری ساخت سلاح؛ که پیامبر(ص) دو نفر را به منطقه

جرش در اردن اعزام ساختند تا ساخت منجنیق و دبابه را فراگیرند.

۶- مبادله و فروش اموال اسیران با تسلیحات؛ از جمله اموال اسیران بنی‌قریظه را

توسط سعدبن‌زید انصاری به سوی نجد فرستاد تا آنها را بفروشد و یا با سلاح

مبادله کند. (ابن‌هشام، ج ۲، ص ۲۴۵)

اما شمشیر در عصر جاهلیت از سلاحهای فردی، تهاجمی و ضروری اعراب مسلمان بود که معمولاً هر فرد یک یا چند شمشیر داشت. این شمشیرها را هر جنگجو از اموال خود تهیه می‌کرد یا در جنگ به غنیمت می‌گرفت. این کار در نخستین جنگها، تا قبل از ایجاد رسته تسلیحات در سپاه پیامبر(ص) بود که وظیفه تسلیح را برعهده داشت. مسلمانان در جنگهای اولیه به هنگام اعلان بسیج، شمشیر یا شمشیرهای خود را برداشته و تا پایان جنگ امکان تسلیح مجدد آنان وجود نداشت. اگر شمشیر مبارزی در میدان جنگ می‌شکست یا کند می‌شد، شمشیر دیگری را که همراه داشت جایگزین می‌ساخت؛ در غیر این صورت امکان ادامه جنگ نداشت. رسول خدا(ص) خود شمشیرهای زیادی داشتند که از غنایم، هدایا و میراث پدر بود و هریک را نامی خاص نهاده بودند (طبری، ج ۳، ص ۱۷۶). آن حضرت مسلمانان را به استفاده از شمشیر با این سخن تشویق می‌کرد: «الجنة تحت السيف» (شیبانی، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۱۳۸) و می‌فرمود: کسی که در راه خدا شمشیر به گردن اندازد (حمل کند) خداوند به او لباس کرامت و عزت می‌پوشاند. در قرآن کریم نیز به کاربرد و استفاده از شمشیر سفارش شده است: «فَاذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ...» (محمد(ص)، آیه ۱۴۸)

شمشیر در میان مسلمانان همانند عصر جاهلیت، اهمیت ویژه‌ای داشت و در اشعار

آنان فراوان توصیف می‌شد و حتی شمشیر برخی از آنان شهره بود مثل «ذوالفقار» امام

علی(ع)، «صمصامه» عمروبن معدی کرب زبیدی، «اللولول» عبدالرحمن بن عتاب بن اسید

(حاکم مکه) «القرطیق»، خالد بن ولید و «المدأ» سعد بن ابی وقاص (زکی، ص ۳۴). گویند یزید بن مزید شیبانی، فرمانده مشهور عرب در عصر هارون، با ذوالفقار علی (ع) می‌جنگید (نعمان ثابت، ۱۹۵۹، ص ۱۵۰). معمولاً شمشیرها را ابتدا مسلمانان از مناطق خارج از عربستان از جمله: هند، خراسان، دمشق، مصر، بغداد، کوفه و یمن وارد می‌کردند (طرسوسی، ص ۱۵۰). پس از چندی خود به ساخت شمشیر پرداختند و حتی رسالاتی در مورد نحوه ساخت شمشیر نگاشتند. این کار در قرن دوم هجری صورت گرفت.

و اما تیر و کمان از دیگر سلاحهای تهاجمی و انفرادی در عصر رسول خدا (ص) بود و اهمیتی بسیار زیاد داشت. اعراب در عصر جاهلیت چندان در تیراندازی و استفاده از کمان ماهر نبودند اما رسول خدا (ص) آنها را سفارش به یادگیری تیراندازی کرد. آن حضرت حتی مجوز شرطبندی برای تیراندازی را نیز صادر کردند و در سخنان خویش، اجر و پاداش فراوانی برای تیراندازی در راه خدا و حتی سازنده آن وعده دادند؛ از جمله فرمودند: «به درستی که خداوند سه نفر را با یک تیر و کمان وارد بهشت می‌کند، سازنده آن، که در عملش نیت خیر باشد؛ کسی که با آن تیر می‌اندازد؛ کسی که آن را به هدف می‌زند. پس تیراندازی و سوارکاری کنید» (ابن میثم جوزی، صص ۱۴ و ۱۵؛ ابن عبدربه، ج ۱، ص ۲۰۹) و نیز آن حضرت هنگام محاصره طائف به هر یک از یارانش که به سوی دشمن تیراندازی کند به ازای هر تیر به درجه‌ای در بهشت وعده دادند (ابن حنبل، ج ۴، ص ۱۱۳). آن حضرت می‌فرمود: «علموا بنیکم الرمی فانه نکارتہ العدو» (متقی‌الهندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۴۳) [به فرزندان تیراندازی یاد دهید که دشمن را به زانو درمی‌آورد] و نیز فرمودند: «متهی المؤمن القوس و النبل» (المهر، ص ۵۵) [نهایت (آرزوی) مؤمن، تیر و کمان است]. با این سفارشها، پیامبر (ص) موفق شد در جنگهای خود یک رسته از تیراندازان را سازماندهی کند و بکوشد تا برای آنان تیروکمان فراهم سازد. در ابتدای امر، جنگجویانی که تیراندازی یاد گرفته بودند (که البته بسیار اندک بود) از اموال خود تیر و کمان می‌خریدند و تیرهای زیادی با خود همراه می‌ساختند تا هریک از تیرها که پرتاب شد، دیگری را جایگزین آن کنند.

از دیگر سلاحهای انفرادی و تهاجمی که باید جنگجویان بدان مجهز می‌شدند، نیزه بود. این سلاح که در دو نوع کوتاه و بلند آن همانند عصر جاهلیت استفاده می‌شد، اهمیت ویژه‌ای در جنگهای عصر رسول خدا (ص) داشت، تا آن جایی بود که خداوند

در قرآن از آن یاد کرده است: «یا ایها الذین آمنوا ... ایدیکم و رماحکم ...» (مائده/ ۹۴) رُمح؛ یعنی نیزه که البته در عصر اسلامی نامهای فراوانی داشت. معمولاً نیزه را جنگجویان اسلامی خود می‌ساختند؛ زیرا ساخت آن آسان بود. بنابراین در خصوص نیزه آنها خودکفا بودند و نیاز به وارد کردن آن نداشتند، برخلاف شمشیر و تیر و کمان که ساخت آن بسیار مشکل بود. نیزه را از شاخه‌های درختان محکمی چون نبع، شوخط، قصب و المران می‌ساختند (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۹۹) رسول خدا(ص) همچنین سفارشهای زیادی در خصوص استفاده از نیزه در جنگ می‌کردند و وعده پیروزی می‌دادند از جمله: «خداوند به وسیله نیزه‌ها شما را بر سرزمینها مسلط و بر دشمنانتان پیروز خواهد کرد» (ابن‌میثم جوزی، ص ۲۲) و نیز می‌فرمود: «روزی من در سایه نیزه من قرار داده شده است» (بخاری، ج ۵، ص ۱۰۰) و نیز مسلمانان را این‌چنین تشویق می‌فرمود: «کسی که در راه خدا نیزه‌ای اندازد خداوند گناهان او را می‌بخشاید» (المهر، ص ۵۶). با این حال پیامبر (ص) ناچار بود به خریداری نیزه نیز رو آورد. آن حضرت برای غزوه حنین، ۳۰۰ نیزه از نوفل بن حارث بن عبدالمطلب خرید (طبری، ج ۳، ص ۴۷۳). آن حضرت خود چندین نوع نیزه داشتند که هر یک به نامی معروف بود و کاربردی خاص در جنگ داشت. (ابن‌حنبل، ج ۲، ص ۵۰)

زره از جمله پوششهای دفاعی و تجهیزات مورد توجه در میان جنگجویان اسلامی بود که آن را برای حفاظت از تیرهای دشمن و ضربه‌های سلاح می‌پوشیدند. به سبب کمبود معادن آهن در جزیره‌العرب، مواد ساخت زره را از هند وارد می‌کردند که بسیار گران‌قیمت بود و همه نمی‌توانستند آن را خریداری کنند. در نتیجه، عامه جنگجویان از زره‌های غیرآهنی؛ یعنی از آنهایی که با پوستهای سخت و سفت درست می‌شد و «ولاص» نام داشت استفاده می‌کردند (طبری، ج ۵، ص ۲۳۶) در قرآن کریم از ساخت زره توسط داود نبی(ع) سخن گفته شده است: «و علمناه صنعة لبوس لكم لتحصنکم من بأسکم ...». (انبیا / ۸۰)

رسول خدا(ص) همواره مسلمانان را به استفاده از زره تشویق و خود نیز برای تهیه و تدارک آن برای سپاهیان تلاش می‌فرمود. از جمله در جنگ احد برای یکصدتن از سپاهیان خود که یک هفتم آنها را تشکیل می‌دادند. یکصد زره تهیه کرد و در غزوه حنین نیز صد زره از صفوان بن امیه مشرک به عاریه گرفت. (طبری، ج ۳، ص ۷۳)

اما از جمله تجهیزات و سلاحهای تهاجمی جمعی در میان مسلمانان عصر پیامبر(ص) باید به منجنیق و دبابه اشاره کرد. منجنیق که در میان ایرانیان و رومیان رواج داشت (برای آگاهی از نحوه استفاده از منجنیق و اجزای آن ر. ک. به: ابن‌ربیع، ۱۴۰۹ق). وسیله‌ای برای پرتاب سنگهای بزرگ یا آتش به داخل قلعه‌ها و برای کوبیدن دیوارها و حصارهای شهرها بود. دبابه نیز چیزی شبیه تانک امروزی بود که برای خراب کردن حصارهای شهر به کار می‌رفت (حسن بن عبدالله، ص ۲۶۵). در عصر پیامبر(ص) از نخستین غزوات تا غزوه طائف، این وسیله تهاجمی کاربردی نداشت؛ زیرا جنگها عمدتاً صحرايي و در زمين مسطح بود. در غزوه طائف، که برای نخستین بار پیامبر(ص) به جنگهای محاصره‌ای و شهری روی می‌آورد، ناچار شد از سلاحهای سنگین بهره برد. لذا قبل از جنگ، دو تن از صحابه خود را برای فراگیری نحوه ساخت منجنیق و دبابه به جرش در اردن فرستاد تا از رومیان ساخت این دو سلاح را فرا گیرند (طبری، ج ۳، ص ۵۴۵). آن حضرت علاوه بر آن به یزید بن زمعه که تخصص در ساخت این وسیله داشت، سفارش ساخت یک منجنیق و دو دبابه داد (واقعی، ۹۲۷/۳) و با منجنیق‌هایی که از اردن وارد کرد و در داخل ساخت، شهر طائف را محاصره کرد. علاوه بر آن، برای نخستین بار پیامبر(ص) در محاصره قلعه‌های یهودیان منطقه خیبر، به چند منجنیق و دبابه دست یافت و آنها را به غنیمت گرفت و در غزوه طائف به کار برد. (ابن‌هشام، ج ۴، ص ۱۲۶)

#### ج - عصر خلفای راشدین

با توسعه جنگها و آغاز فتوحات در عصر خلافت پس از رسول خدا(ص)، به‌ویژه دوران خلافت خلفای اول و دوم که طی آن دوران شاهنشاهی ایران مضمحل و امپراتوری روم در معرض فروپاشی قرار گرفت، مجهز ساختن سپاهیان به تسلیحات نظامی، دیگر نمی‌توانست به صورت فردی و شخصی انجام پذیرد بلکه می‌باید در دست حکومت اسلامی متمرکز شد و دولت متکفل آن شود. خلیفه دوم پس از ایجاد دیوان جند که مخصوص جنگجویان بود، برای آنان مقرری و مواجبی تعیین کرد. او هزار درهم برای سلاح هر یک از جنگجویان اختصاص داد (طبری، ج ۳، ص ۶۱۵) که می‌باید نیازهای تسلیحاتی اولیه خود را با آن تأمین می‌کردند، اما تجهیز سپاه به تسلیحات در منطقه جنگ برعهده رسته تسلیحات قرار داشت. در عصر خلافت امام

علی(ع)، آن حضرت برای تأمین تسلیحات سپاه، تلاش ویژه‌ای مبذول داشت و حتی مخزن و انباری خاص برای نگهداری سلاح قرار داد که به نام «خزنة السلطان» معروف شد. سلاحهایی که غنیمتی بودند نیز در این انبار نگهداری می‌شد. (طبری، ج ۴، ص ۵۳۸)

در این دوران شمشیر همچنان از سلاحهای اصلی بود و چون گذشته، هر سرباز باید با اموال خود آن را می‌خرید که البته مثلاً از طریق دیوان جند آن را دریافت کرده بود. اما خلیفه دوم تلاشهای زیادی برای وارد کردن انواع شمشیرها از منطقه شام و مصر که به تازگی فتح شده بود مبذول می‌داشت. غنیمت نیز یکی دیگر از راههای تأمین شمشیر بود. مسلمانان در این عصر، بر شمشیرهای وارداتی به تقلید از رومیان یا ایرانیان، تصویر و اشکالی کنده‌کاری می‌کردند اما هنوز هنر ساخت آن را نمی‌دانستند.

با این حال در رسته پیاده‌نظام در این عصر، شمشیرزنان در صفوفی خاص حضور می‌یافتند و حتی در میدان جنگ آموزش می‌دیدند. امام علی(ع) در میدان جنگ، نحوه جنگیدن با شمشیر را بیان و در سازماندهی سپاه آنها را در صفوفی ویژه مستقر و سازماندهی می‌کرد. (نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۴)

شمشیر مهم‌ترین سلاح در سپاه امام علی(ع) در سه جنگ جمل، صفین و نهروان بود که هم نیروی پیاده و هم سواره‌نظام از آن بهره می‌برد. شمشیر جنگجو برای وی نقش حیاتی داشت و چون دورانهای گذشته اگر می‌شکست و امکان تعویض یا ترمیم آن را نداشت، به سختی می‌توانست از خود دفاع کند مگر آنکه غنیمت بگیرد. معروف‌ترین شمشیر در میان سپاهیان عصر امام علی(ع) ذوالفقار بود. این شمشیر از آن پیامبر(ص) بود که به علی(ع) بخشیده بود و در جنگ احد ندایی از آسمان رسید که «لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار». دومین سلاح مهم در سپاه امام علی(ع) نیزه بود که اغلب پیاده‌نظام و به ندرت سواره‌نظام از آن بهره می‌برد. همچنین کمان از سلاحهای پیاده و سواره‌نظام بود. در جنگ جمل تیرهای فراوانی به هودج عایشه نشانه رفتند که آن را به خارپشتی شبیه ساخته بود. سپر و سایر سلاحهای دفاعی نیز در میان سپاه امام علی(ع) بود و همه اینها از طریق خراج و مواجب سپاهیان توسط خود آنان تأمین می‌شد. (ر.ک. به: قائدان، ۱۳۷۵، صص ۱۶۹-۱۶۴)

راههای تأمین شمشیر، تیر و کمان و نیزه در این دوران نیز چون گذشته بود؛ البته در حجمی بسیار وسیع‌تر و متمرکز. اما در خصوص سایر تجهیزات نظامی و دفاعی، به

سبب برخورد و مصادفۀ مسلمانان با ایرانیان و رومیان، مسلمانان با ادوات و ملزومات جدیدی آشنا شدند؛ از جمله با وسیله‌ای به نام «مثلثات» که در عربی به «حسک الشائک» معروف شد. مثلثات وسیله‌ای بود که از آهن ساخته می‌شد و دارای سه لبۀ تیز و برنده به صورت مثلث بود. ایرانیان آن را در زمین می‌کاشتند، به‌گونه‌ای که یک ضلع و سر آن بیرون از زمین قرار می‌گرفت و باعث بریدن پاهای اسبان و پیاده‌نظام می‌شد. این وسیله توسط چند تن از نیروهای سپاه مسلمانان در جنگ نهاوند کشف شد. پس از اینکه نیروهای سپاه مسلمان در تله‌ی این دامها افتادند و قادر به ادامه حرکت نشدند (طبری، ج ۴، ص ۱۱۹)، از روی آن نمونه‌های فراوانی ساخته و در جنگهای بعدی مورد استفاده قرار دادند (همان). این وسیله تا قرن بیستم همچنان مورد استفاده بوده است. فلسطینی‌ها این وسیله را در جنگ ۱۹۴۸م. در برابر ماشینها و وسایل نقلیه اسرائیلی‌ها در داخل زمین کار می‌گذاشته‌اند (عبدالرؤف عون، ۱۹۶۱). بعدها در حقیقت مینها جای آن را گرفت.

از دیگر تجهیزات باید به نردبان برای محاصره (سلم‌الحصار) اشاره کرد. از آنجا که جنگهای مسلمانان از صحرا به شهرها منتقل و به جنگهای محاصره‌ای تبدیل شده بود، آنان برای بالارفتن از دیوارها و حصارها و قلاع ناچار به استفاده و ساخت نردبانهای بلند شدند. خالدبن ولید در فتح دمشق و زبیر بن عوام در فتح حصن بابلین در مصر از آن بهره بردند. (طبری، ج ۴، ص ۵۷)

اما در سپاه این عصر، رسته‌ای با عنوان منجنیق‌اندازان نیز تأسیس شد؛ زیرا مسلمانان در فتوحات خود شهرهای بسیاری را محاصره می‌کردند و ناچار به استفاده از منجنیق بودند. در این دوران به‌ویژه عصر خلیفۀ دوم، مسلمانان در ساخت و تهیه منجنیق به خودکفایی رسیده بودند. صدها منجنیق و دبابه ساخته و در جنگها به‌کار گرفته شد؛ از جمله در فتح مدائن ۲۰ دستگاه، در محاصره دمشق و بهر سیر نیز تعداد فراوانی استفاده شد. (ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۴۶؛ طبری، ج ۴، ص ۱۶۸)

اما در این عصر به سبب ورود مسلمانان به جنگهای دریایی، استفاده از کشتی‌های جنگی، تجهیزات و سلاحهای مخصوص کشتی نیز رواج یافت. فتح سواحل هند و رودخانه سند، تهاجم دریایی به ایران و حبشه و فتح قبرس و سواحل آفریقا نشان از رویکرد جدی و تلاش وسیع مسلمانان در جنگهای دریایی و استفاده از کشتیها و



تجهیزات مربوط به آن دارد. در این دوران معمولاً کشتی‌های جنگی از ملل مغلوبه به غنیمت گرفته می‌شد و گاهی نیز از آنها در قبال جزیه و پرداخت خراج، کشتی دریافت می‌شد. برخی از ملل نیز داوطلبانه به خدمت نیروی دریایی سپاه اسلام درآمده و کشتی‌ها و سلاحهای مخصوص به آن را در اختیار سپاه اسلام قرار می‌دادند. علاوه بر آن، بسیاری از دریانوردان فنیقی (لبنانی) و مصری اسلام پذیرفتند و با ورود اسلام به این مناطق، مسلمانان از امکانات موجود و کشتی‌های ساخته شده بهره بردند تا در عصر عباسی، مسلمانان شخصاً به احداث کارخانجات کشتی‌سازی پرداختند.

#### د - عصر اموی و عباسی

در این دو عصر به سبب گسترش فراوان قلمرو اسلامی و توسعه جنگها و افزایش نیروی رزم، کار تدارک سلاح از وظایف کاملاً حکومتی شد. کارخانجات و کارگاههای کوچک ساخت سلاح در این دوران احداث شد. در این زمینه، مسلمانان از تجربیات یونانیان، هندیان، مصریان، شامیان و ایرانیان در ساخت تسلیحات بهره بردند و حتی نیروهای سازنده سلاحها که عمدتاً مسلمان شده بودند، برای کسب ثواب و اجر و البته ارتزاق و تأمین معیشت خود به این کار اقدام می‌کردند. مخازن متعدد و فراوانی برای انبارداری و تخریز سلاح در این دوران ساخته شد. سلاحهای انبار شده به حدی بود که گاهی حتی شمارش آنها دشوار بود. به عنوان نمونه، در دوران خلافت سفاح، نخستین خلیفه عباسی، ۵۰ هزار سپر، ۵۰ هزار شمشیر، ۳۰ هزار زره و ۲۰۰ هزار نیزه در انبار دولتی ذخیره و تخریز شده بود که همه آنها از عصر اموی برجای مانده بود. به هنگام خلافت امین، کاتبان، محاسبان، مسئولان خزائن سلاح، چهار ماه به آمارگیری از سلاحهای موجود پرداختند. فقط در انبارهای دولتی ۱۰ هزار شمشیر، ۵۰ هزار نیزه، ۱۰۰ هزار کمان، ۵۰ هزار سپر، ۲۰ هزار زره، ۱۵۰ هزار تیر، ۴ هزار زین مخصوص و ۳۰ هزار زین معمولی و ۱۵ هزار خیمه وجود داشت. (نعمان ثابت، ص ۱۰۱)

همه اینها نشان از میزان گسترده نیروهای جنگجو، سلاحها و تجهیزات اختصاصی آنها دارد که البته علاوه بر این تعداد وسایل و سلاح موجود در دستگاه خلافت شاید به همین تعداد نیز در دست سپاهیان بوده است و آنها قبلاً یا خود تهیه کرده بودند و یا از حکومت دریافت داشته‌اند.

همچنین بین امرا و اطرافیان خلیفه و لشکریان به هنگام اجرای مانور و نمایشهای نظامی لشکر، سلاح و اسب توزیع می‌شد. این کار در دوران منصور به سال ۱۵۷ق. صورت گرفت (طبری، ج ۸، ص ۵۴). هارون برای تأمین سلاح لشکر در مناطق مختلف، پایگاهها و مخازنی جهت نگهداری و نیز کارگاههایی برای ساخت سلاح ایجاد می‌کرد. (امیرعلی، ص ۳۶۹)

در عصر عباسی، دیوانی خاص با عنوان دیوان «خزائن السلاح» ایجاد شد که مسئولیت حفظ و ثبت و ضبط سلاحها را بر عهده داشت. در حقیقت، مسئله تأمین تسلیحات در عصر عباسی به عنوان یکی از وظایف حاکم مطرح شد. هروی می‌گوید: «بر حاکم واجب است که در مورد سازندگان منجنیق، کمان، جرخ، زراق (ماده آتش‌زا) و تُرس (سپر) بی‌توجهی نکند و نیز انبارهای اسلحه را مورد بررسی و تفتیش قرار دهد و آنچه در آنها موجود است از شمشیر، نیزه، کلاهخود، سپر، زره، قمه، تیر و کمان، آلات حفاری، قلاب، گلوله‌های منجنیق و عراده و هر آنچه از ابزارهای جنگی است بررسی و کاستیهای آن را جبران کند.» (هروی، بی‌تا، ص ۱۷)

به هنگام لشکرکشی و یا حرکت لشکر برای نبرد، گروه تدارکاتی با عنوان ساقه یا عقبه در لشکر سازماندهی می‌شد که انجام وظایف یاد شده را برعهده داشت (واقعی، ج ۳، ص ۹۹۶؛ ابن‌هشام، ج ۲، ص ۲۶۴). بنابراین مکان استقرار گروه و رسته تدارکات در صفوف آخر به هنگام جنگ یا حرکت در مسیر بود (واقعی، همان). این گروه تمامی لوازم موجود را از شهرهای بزرگ و پایتخت به همراه خود حرکت می‌دادند و دیگر نیازی نبود که از مرکز، تدارکات و امدادسانی انجام گیرد. نیروهای این رسته، خود همراه لشکریان بودند و پس از انجام امور و وظایف محوله به سرزمینهای خود بازمی‌گشتند. (همان، ج ۱، ص ۱۹۳)

در عصر عباسی، رسائل و کتابهای فراوانی پیرامون نحوه ساخت و به‌کارگیری سلاح نوشته شد؛ از جمله ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی، رساله‌ای در ساخت شمشیر از آهن و جواهر برای معتصم عباسی نگاشت که قبلاً مأمون برای نوشتن آن متخصصان علم شیمی و ساخت آلات و ادوات این سلاح را فراخوانده بود. (طرسوسی، صص ۶۳-۵۳)

در این دروان، یعنی عصر عباسی، مسلمانان موفق شدند پس از چهار قرن که شمشیرها را به صورت صاف و یک لبه می‌ساختند، به تکنولوژی منحنی کردن شمشیر دست یابند و شمشیرها را دولبه کنند و آنها را انحنای دهند که این امر پیشرفت قابل

توجهی در ساخت سلاح بود. همچنین در عصر اموی، نیزه‌ها را به کلی از آهن ساختند، درحالی که در گذشته از چوب ساخته می‌شد.

سلاح جدیدی که در عصر عباسی ساخته شد «قوس‌الزیار» بود. این سلاح نوعی کمان بسیار بزرگ بود که از آن برای پرتاب تیرهای حجیم به طول ۶۰ تا ۱۸۰ سانتی‌متر و وزن ۲ تا ۳ کیلوگرم استفاده می‌شد. این سلاح را مسلمانان ابداع کرده و ساختند و مسیحیان در جنگهای صلیبی از مسلمانان خریداری و سپس خود به ساختن آن پرداختند. (ابن‌ارنغا، ص ۱۳۵)

در این دوران ادوات تخمین مسافات هدفگیری، انواع و اقسام منجنیق، از جمله برای پرتاب سنگ، تیرهای بزرگ، نفت و گلوله‌های آتشین و پرتاب مواد منفجره ساخته شد. آینه‌های سوزاننده برای به آتش کشیدن کشتی‌های دشمن از طریق تابش و انعکاس نور آفتاب، کبش یا سرتوچ برای تخریب حصارها و نیز دبابه‌های بسیار بزرگ و ضدحریق نیز از دیگر تکنولوژیهای دفاعی و تهاجم مسلمانان در این عصر بود.

صنعت کشتی‌سازی در عصر عباسی رونق فراوانی یافت و کارخانجات کشتی‌سازی به تأمین ناوهای جنگی مورد نیاز در جنگ دریایی پرداختند. رسته‌های نظامی متنوعی با سلاحهای متنوعی نیز پدیدار شدند که دولت و خلافت برای تجهیز و تأمین تسلیحات آنها تلاش ویژه‌ای مبذول می‌داشت که بحث پیرامون آنها مقاله‌ای مستقل می‌طلبد.

### نتیجه‌گیری

یکی از دغدغه‌های مهم پیامبر(ص)، خلفا و فرماندهان نظامی تأمین تسلیحات و امکانات نظامی برای نبرد بوده است. از آنجا که در آغاز ظهور اسلام، دولت به مفهوم خویش تشکیل نشده بود این کار برعهده هر یک از جنگجویان بود ولی پس از چندی به‌طور متمرکز در اختیار حکومت و خلافت قرار گرفت. در مجموع از آنجا که جهاد و انتشار اسلام به عنوان یک فریضه، مورد توجه یکایک آحاد مردم و نیز حاکمان و خلفا بوده است، تأمین این امکانات و تجهیزات برای انجام جهاد اهمیتی ویژه در میان مردم و حاکمان داشت. تسلیح نیروهای نظامی از طرق مختلف انجام می‌شد. به عبارتی، راههای عمده‌ای برای تأمین آن وجود داشت که همه این راهها مورد توجه حاکمان قرار می‌گرفت و آنان برای تأمین سلاح، همه توان خود را به کار می‌گرفتند. از یک طرف، تسلیحات رزم به سبب گستردگی میدانهای جنگ و نوع جنگها همواره رو به

پیچیده‌تر شدن می‌رفت و از طرف دیگر، توسعه سرزمینهای فتح شده و استراتژی خلفا برای توسعه سرزمینی و قلمرو، نیاز روزافزون به بسیج نیروهای رزمی و نیز مسلح کردن آنها از جمله ضروریات بود که در این دو عرصه، خلفا نقش ویژه‌ای ایفا کردند؛ هم به لحاظ تغییر و تکامل و تحول در امر سلاح و تأمین آن که ابتدا از طرق غنیمت و عاریه گرفتن و سپس به تولید و ساخت آن منجر شد و هم به لحاظ پیچیده و تخصصی شدن تکنولوژی ساخت سلاح. از این رو، روند توسعه کیفی و کمی از عصر پیامبر(ص) تا دوران عباسی بسیار پرشتاب و جهنده بود و این امر نشان‌دهنده اهتمام ویژه خلفا و حکمروایان به تأمین امکانات و تجهیزات جنگی بوده است که می‌توان گفت در این زمینه پیشرفت بسیار چشمگیر و قابل توجه‌ای صورت پذیرفته است.

## منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن اثیر، عزالدین احمد (۱۹۶۵م)؛ *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
- ۳- ابن ارنیغا، الزردکانس (۱۴۰۹ق)؛ *الانقی فی المناجیق*، مصر، دارالتعارف.
- ۴- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۹۵۴م)؛ *المسند*، (طبعة الرابع)، قاهره، دارالمعارف، چ چهارم.
- ۵- ابن دقماق، صارم الدین (بی تا)؛ *الجواهر الثمین فی سیر الملوک و السلاطین*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۶- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۹۵۷م)؛ *الطبقات الکبری*، بیروت، دارصادر.
- ۷- ابن سیده، ابوالحسن علی (۱۳۹۸ق)؛ *المخصص فی اللغة و الارب*، بیروت، دارالفکر.
- ۸- ابن طقطقی؛ *تاریخ فخری*. *تال جامع علوم انسانی*.
- ۹- ابن عبدربه، محمد (۱۴۹۷ق)؛ *العقد الفرید*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۰- ابن منظور، امام علامه (۱۴۰۸ق)؛ *لسان العرب*، تحقیق علی سیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۱۱- ابن میثم جوزی، شمس الدین (بی تا)؛ *الفروسیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۲- ابن هذیل؛ *حلیة الفرسان و شعار الشحمان*.

- ۱۳- ابن هشام، ابو محمد (بی تا)؛ *السيرة النبويه*، بیروت، دارالجیل.
- ۱۴- ابو عبیده، قاسم بن سلام (۱۹۷۵م)؛ *الاموال*، قاهره، الازهریه.
- ۱۵- ابویوسف، یعقوب (۳۹۶ق)؛ *الخراج*، قاهره.
- ۱۶- امیرعلی (۱۴۲۰)؛ *تاریخ المختصر الاسلام*، بیروت، دارالاعلمی للمطبوعات.
- ۱۷- بخاری، محمد بن احمد (۱۳۴۵ق)، *صحیح البخاری*، (الجهاد)، قاهره، مطبعه الابایی الصلبي.
- ۱۸- بلاذری، احمد بن یحیی (بی تا)؛ *فتوح البلدان*، قاهره، مطبعه البیان العربی.
- ۱۹- ترمذی، محمد بن سوره (۳۹۸ق)؛ *سنن ترمذی*، بیروت، دارالفکر.
- ۲۰- جاحظ، ابو عثمان (بی تا)؛ *البیان و التبيين*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۲۱- حسن بن عبدالله، *آثار الاول فی تربیت الدول*.
- ۲۲- الدوری، عبدالعزیز؛ *العصر العباسی الاول*.
- ۲۳- زکی، عبدالرحمن (۴۲۳ق)؛ *الصلاح*، مصر، مطبعه القاهره.
- ۲۴- زهری، محمد بن سلام (۴۰۰ق)؛ *المغازی النبویه*، بیروت، دارالفکر.
- ۲۵- زینی دحلان؛ *السيرة الحلبیه*.
- ۲۶- السلومی، عبدالعزیز (۴۰۶ق)؛ *دیوان الجند*، مکه مکرمه، مکتبه الطالب الجامعی.
- ۲۷- شیبانی، محمد بن حسن (۱۹۸۵م)؛ *السير الكبير*، مصر، مطبعه مصر.
- ۲۸- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۶م)؛ *تاریخ الطبری*، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
- ۲۹- طرسوسی، مرضی بن علی (۱۹۱۸م)؛ *موسوعة الاسلحة القديم*، بیروت، دارصادر.
- ۳۰- عبدالرؤوف عون، (۱۹۶۷م)؛ *السنن الحربی فی صدر الاسلام*، قاهره، دارالمعارف.
- ۳۱- عبده، محمد؛ *شرح نهج البلاغه*.
- ۳۲- عسقلانی، ابن حجر؛ *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*.
- ۳۳- قانطان، اصغر (۱۳۷۵)؛ *سیاست نظامی امام علی (ع)*؛ تهران، نشر فروزان.
- ۳۴- کرامه بن جعفر (۱۹۸۱م)؛ *الخراج و صناعة الكتابه*، بغداد، دارالرشید.
- ۳۵- ماوردی، ابوالحسن علی (۴۰۵ق)؛ *الاحکام السلطانیه و الولايات الدینیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- ۳۶- متقی الهندی، علاءالدین (۱۴۰۹ق)؛ *کنز العمال فی سنن و الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ۳۷- مسعودی، علی بن حسین (۴۰۳ق)؛ *روح الذهب و معادن الجواهر*، بیروت، دارالمعرفه.
- ۳۸- المهري، غازي اسماعيل (۱۹۹۴م)؛ *مبادئ الحرب في صدر الاسلام*، عمان.
- ۳۹- نعمان ثابت (۱۹۵۹م)؛ *الجنديه في عصر دولة العباسيه*، بغداد، مطبعة اسعر.
- ۴۰- نویری، شهاب‌الدین (۱۳۴۵ق)؛ *نهاية الارب في فنون الارب*، مصر، دارالكتب المصريه.
- ۴۱- هروی، علی ابن ابی بکر (بی تا)؛ *التذكرة الهرويه في جبل الحريه*، المصر - بورسعيد، مكتب انتفاضه - الدينيه.
- ۴۲- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق)؛ *المغازي رسول الله (ص)*، بیروت.

